

«قدر لیلہ القدر را باید دانست، ساعات آن را باید مغتنم شمرد و کاری کرد که ان شاء الله قلم تقدیر الهی در شب‌های قدر برای کشور عزیز و آحاد ملت ما تقدیری آنچنان که شایسته مردم مؤمن و عزیز ماست، رقم بزند. (۱۳۸۲/۰۸/۲۳)»

▼ حرف روز

بازخوانی حکومت علوی

ماه مبارک رمضان علاوه بر آنکه فرصتی است برای خودسازی معنوی و بازگشت روحی آدمی به مسیر تعالی، دریچه‌ای است برای یادآوری نام امیرالمؤمنین(ع) و بازخوانی حکومت علوی که از دیروز تا فردا، همچنان الگوی همه حقیقت‌طلبان و عدالت‌خواهان باقی‌مانده و خواهد ماند. این بازخوانی به ضرورتی مستمر برای همه آزادخواهان و عدالت‌طلبان در طول تاریخ تبدیل شده است.

گزاره‌های تحلیلی: اولین ملاحظه اساسی امیرالمؤمنین(ع) در باب حکومت آن است که ایشان به حکومت نه به مثابه هدف، بلکه ابزاری برای تحقق اهدافی متعالی می‌نگرد که مشروعیت خود را در تلاش برای تحقق آن اهداف کسب خواهد کرد. حکومت در ذات خود در نگاه علی(ع) متاع بی‌ارزشی است که اگر در خدمت بشریت قرار گیرد؛ دارای بها و ارزش خواهد شد. لذا علی(ع) خطاب به عبدالله بن عباس می‌فرماید: «به خدا سوگند این کفش بی‌ارزش نزد من محبوب‌تر است از حکومت بر شما، مگر آنکه حقی را برپا سازم یا باطلی را براندازم» (خطبه ۳۳) دومین ملاحظه در این باب، بررسی اهداف حکومت در نگاه علوی است. در این نگاه، رسالت مهم و محوری پیامبران الهی رهانیدن بشر از زنجیرهای بندگی غیر و رساندن آدمی به آزادی معنوی و کمال الهی است. آزادی حقیقی، گوهری گران‌بهاست که دین برای اعطای آن به آدمی تلاش کرده و بر آن است تا با اقامه "حکومت حکمت" زمینه رشد و تعالی مادی و معنوی آدمی را فراهم آورد. سرور آزادگان جهان در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه، اهداف تشکیل حکومت را چنین برمی‌شمارد: «۱- بسط عدالت در حوزه‌های مختلف، ۲- تأمین امنیت همه‌جانبه، ۳- ایجاد رفاه و تأمین معاش، ۴- بسترسازی برای تعالی روحی افراد جامعه و گسترش معنویت از طریق اجرای حدود الهی» موارد فوق را در چهارگانه عدالت، امنیت، رفاه و هدایت می‌توان خلاصه کرد که روح و گوهر و اهداف حکومت دینی و دولت اسلامی را تشکیل می‌دهد. سومین ملاحظه در حکومت امیرالمؤمنین، جایگاه و اعتبار مردم در حکومت است. حکومت علی(ع) یک حکومت به تمام معنا مردمی است. امام اهل مشورت است و تصمیماتش را برای مردم عرضه می‌کند و از آنان راه چاره می‌جوید. ضمن آنکه معیار قضاوت در مورد تصمیم‌گیری‌ها را شرع مقدس قرار می‌دهد. علی(ع) محبوب قلب‌های مسلمین بود و همین پشتوانه است که نام او را برای همیشه تاریخ ثبت کرده است.

نکته راهبردی: این مشخصه‌ها امروز باید سرلوحه نظام اسلامی در مسیر تحقق دولت اسلامی قرار گیرد و انتظار ملت انقلابی از دولتمردان آن است که با همه توان برای تحقق چنین دولتی تلاش نمایند.

▼ گزارش روز

پایان شراکت ۷۵ ساله

در روزهای اخیر ایالات متحده تصمیم به برچیدن سامانه‌های ضد موشکی پاتریوت و کاهش ظرفیت‌های نظامی‌اش در عربستان گرفته است. ترامپ نیز ضمن تأیید اخبار فوق گفته است «ما از کشورهای دیگر محافظت می‌کنیم و دیگر کشورها آن طوری که باید به ما احترام نمی‌گذارند. در برخی موارد حتی آن‌ها از ما خوششان نمی‌آید. آن روزها به پایان رسیده است». از سال ۱۹۴۵ که «ملک عبدالعزیز» بنیانگذار پادشاهی سعودی همراه با «فرانکلین روزولت» رئیس‌جمهور وقت آمریکا پایه‌های شراکت با واشنگتن را طی دیدار مهمی در یک کشتی آمریکایی در کانال سوئز ریختند، تا به امروز روابط دو طرف همیشه گرم و دوستانه بوده است تا اینکه در هفته‌های اخیر محمد بن سلمان نوه عبدالعزیز، با اتخاذ یک سیاست نفتی‌ای که به مذاق ترامپ خوش نیامده است، این روابط را پس از ۷۵ سال به «بن‌بست» کشانده است، طوری که برای نخستین بار در روابط دیپلماتیک، ترامپ پشت تلفن با لحن بی‌سابقه‌ای و با فریادهای بلند، بن‌سلمان را مورد سرزنش قرار داده و او را تهدید کرده است. اینکه ماجرای اختلافات اخیر ریاض و واشنگتن به سیاست‌های نفتی عربستان بازمی‌گردد، موضوع بحث حاضر نیست. مسئله فراتر از این‌هاست. در حقیقت ریشه و منشأ اصلی اختلافات موجود را باید در دو مسئله مهم جستجو کرد. نخست، سیاست‌های «منفعت‌طلبانه» ترامپ و دوم، «افول» قدرت منطقه‌ای عربستان. روابط آمریکا و عربستان برخلاف دیدگاه‌هایی که این روابط را «استراتژیکی» یا راهبردی تلقی می‌کنند، یک روابط «تاکتیکی» و عمودی، یعنی دستوری و از بالا به پایین است. آمریکا همواره به عربستان به مثابه ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود و تأمین آسان و کم‌هزینه منابع انرژی، نگرسته است. کاهش شدید قیمت نفت، ترامپ را به این جمع‌بندی رسانده که عربستان دیگر چیزی برای دوشیدن ندارد. این در حالی است که افول قدرت و جایگاه منطقه‌ای عربستان نیز که ناشی از سیاست‌های ناخردانه و «جنون‌آمیز» بن‌سلمان جوانک و خام است، دولت آمریکا را به این تصمیم رسانده که شرط‌بندی روی اسب بازنده، یک خطاست.

گزاره تحلیلی: سیاست‌های اخیر ترامپ در قبال عربستان، یکبار دیگر نشان داد که رژیم آمریکا تحت هیچ شرایطی مورد اعتماد نیست؛ همان سخن معروف و خلاف مصالح بشری وینستون چرچیل که می‌گوید «نه کشوری برادر ماست و نه دشمن دائمی ماست. ما برحسب منافعمان باید روابطمان با کشورها را تنظیم کنیم».

▼ اخبار ویژه

نزدیکی به رژیم صهیونیستی؛ این بار به بهانه کرونا

"اورشلیم پست" نوشت: «سه کشور در حوزه خلیج فارس [از جمله بحرین، طی هفته‌های اخیر پیرامون دریافت اطلاعات و کمک برای مقابله با این ویروس با اسرائیل رایزنی کردند].» به نوشته این روزنامه، این سه کشور ضمن ابراز توجه به ابزارهای لازم برای مقابله با کرونا، به مرکزی درمانی شبیا در تل‌آویو رفتند. این روزنامه رژیم صهیونیستی افزود: «سفیر امارات در سازمان ملل هفته پیش تصریح کرد، دولتش آماده است تا در زمینه تولید واکسن کرونا با اسرائیل همکاری کند.»

◀ **فرقه‌ای که بی‌سروصدا در کشور قدرت می‌گیرد/ یکی از فرق سنتی درویشی فعال در کشور، فرقه «ذهبییه» است که شاید برخلاف سایر جریان‌های درویشی مانند نعمت‌اللهی گنابادی یا نوربخش، سیاستی نامریی و خزنده دارد. درک ملموس‌تر این امر از طریق رفتارشناسی فرقه مزبور میسر است؛ اساساً ذهبیه همواره خود را جریانی بی‌حاشیه جلوه داده تا بیشتر توجهات بر جریان‌هایی چون نعمت‌اللهی، سلطانی شاهی و تحرکاتشان مانند فاجعه خیابان گلستان هفتم تهران معطوف شود. ذهبیون با بهره‌گیری از این فرصت، توان خود را معطوف به کادرسازی تشکیلاتی و افزایش قدرت در حوزه‌های اقتصادی و حتی سیاسی کرده‌اند. مؤسس کارخانه‌های چای «احمد» و «محمود»، یکی از سران این فرقه است.**